به نام آنکه جان را فکرت آموخت چراغ دل به نورجان برافروخت

**" بال و پر پژوهش "**

نویسنده : دکترنویدی

**در آمد:**

اندیشگاه طرح هزاره دارای دو رکن رکین و دو بال و پرمتین است. که رکن و ریشه اول اندیشه و تفکر است و رکن دوم پژوهش و تحقیق است، بدین جهت " موسسه اندیشه و پژوهش " نامگذاری شده است. اندیشگاه، مرکزی برای تفکر و اندیشه ورزی و محلی برای تحقیق و پژوهش است. از طریق و از قبل این دو پایه و اساس است که مبحث " توسعه " و توسعه مباحث مورد التفات و عنایت قرار می گیرد و از این رهگذر به پیشرفت و تعالی جامعه و کشور مدد می رساند و در فرآیند ترقی نقش آفرینی می کند.

در تک نگاشت" باغ اندیشه " به تبیین و توضیح وجه اندیشگی اندیشگاه به طور اجمال پرداخته شد و اینک به برخی ملاحظات در خصوص پژوهش و وجه پژوهندگی آن اشاراتی مختصر می گردد. یعنی "بال وپر پژوهش"

1- بنیان پژوهش

پژوهش و پژوهیدن ریشه در جان هستی آدمی دارد. جان انسان با تحقیق و پژوهش نسبت ذاتی و کمالی دارد. یعنی، تحقیق از یک سو از جان و روح آدمی نشأت می گیرد و از سوی دیگر جان و وجود انسان با پژوهش استکمال می یابد. پایه پژوهش و پژوهندگی جان انسان متفکر است و انسانی که اندیشمندانه زیست می کند و خردمندانه امور زندگی و شیوه زندگی را رصد می نماید. بنابراین پژوهش و تحقیق از آثار وجودی تفکر و تعقل چنین انسانی است. در واقع، انسان بماهو انسان و ذاتاً شأن پژوهیدن و کنجکاوی و جست و جوگری دارد.

نسبت پژوهش و پویندگی و تحقیق و تفکر نسبت ماهوی و علّی است. یعنی پژوهش حاصل، میوه و معلول، پژوهندگی و تفکر است. اندیشه و عقل سرچشمه جوشان پژوهندگی و پژوهش است. اساساً تحقیق عبارت است از اثبات مسئله ای توسط دلیل. منشاء دلیل و برهان چیست؟

پژوهش به معنی دقیق کلمه انکشاف و پیداکردن نسبت و رابطه جدید بین امور، پدیده ها، مباحث و موضوعات و اشیاء است. این نسبت جدید یا رابطه نوین یا ایجابی و اثباتی است و یا سلبی و نفیی. اما موضوع به اینجا ختم نمی شود. برهان آوری و استدلال برای نسبت ایجابی و یا سلبی اساس این فرآیند پژوهشی و تحقیقی است. بنابراین پژوهش در اصطلاح علمی،کشف و اثبات نسبت و رابطه جدید و نوین بین پدیدارها و اشیاء، موضوعات و مباحث است.بدیهی است، برهان واستدلال و قوه اثبات، عقل و تعقل است و روشن و واضح است، کشف کار قوه عاقله است، پس پژوهش وتحقیق عمیق و علمی برتفکر و تعقل مبتنی است. آیاعقل به تنهائی توانایی چنین کشف وچنین اثباتی را دارد؟

تحقیق و پاسخ به این پرسش بسیارمهم و اساسی است. درواقع پژوهش واقعی و عینی یاتحقیق علمی وتجربی، دارای دوپایه و اساس است، پایه عقل و پایه عین. بدون عقل عین و بودها بی معنی هستند و بدون عین عقل قوه تهی و میان خالی است. عقل و عین مکمل هم اند. عقل قوه شناخت و کشف و پیش بینی و کنترل و مهارکردن است. و عین متعلق شناخت و موضوع کشف و فرآیند طبیعی وجریان جاری طبیعت است. اگرعقل نبود این واقعیات و پدیدارهای موجود شناخته نمی شدند و کشف نمی گشتند و علم و دانش معنا نداشت. و اگر واقعیات نبودند، عقل چیزی را نمی شناخت وتهی و تنها می ماند. عقل تنها معرفت و دانش نمی زاید.

در روش پژوهشی تجربی تحقیق عبارت است از هرعملی که دانشمند برای آزمودن نظریه ای اعمال می کند. دانشمند یا نظریات خود را مستقیماً و یا نتایج نظریات خود را با حوادث و پدیده ها مقابله و مقایسه می کند تا صحت و درستی آن ها را اثبات نماید. هرگاه دانشمند اصل نظریه را با واقعیات و حوادث مقابله کند، پژوهش و تحقیق وی پژوهش مستقیم، واگر نتایج آن را با بودها و پدیدارها مقابله و بررسی کند، تحقیق وی، پژوهش غیرمستقیم خواهد بود. بنابراین هیچ علمی نیست که بی نیاز از تحقیق و تعقل در مسائل خود و اثبات آن ها باشد. نجوم، فیزیک، ریاضی، شیمی، زیست شناسی و... چنین اند، حتی، روان شناسی، جامعه شناسی، حقوق، سیاست، اخلاق و... از چنین فرآیندی بهره می گیرند، البته روش پژوهش در علوم مختلف و گوناگون متفاوت است ولی اساس پژوهش تعامل عقل وعین است، علم و دانش حاصل تعامل و تلاقی و تعاطی عقل و عین، اندیشه و واقعیت است.

نکته مهم این است که این بحث، بحثی بسیار عمیق و دقیق است، و تحقیق و تدقیق وجوه گونه گون ان به مجال ومقال مفصلی نیاز دارد. واساساً تا این موضوع مهم بدرستی وارسی و تشریح نگردد بسیاری از مباحث، مبهم ومغفول خواهد ماند.

 2- پژوهش و پرسش

پژوهش بازجستن است وپژوهندگی جستجوگری عقلانی علمی است. بنابراین تحقیق و پژوهش باپرسش و پرسش گری نسبت لاینفک و ذاتی دارند. هرگاه پرسش بربنیادی قویم و استوار و اصیل مبتنی باشد پژوهش و پژوهیدن نیز از عمق وافق عمیق و والائی برخوردار خواهد بود.

بازجستن و پرسش نگرش جدید و ورود به عرصه های نوین است. پرسش دیدن چیزها ونسبت های نادیده شده وناشناخته است. پرسش آغازی برای کشف جدید است، و پرسش دقیق بخشی از علم است، هم سوال از علم خیزد هم جواب. درواقع پژوهیدن باعلم ودر قلمرو علم و از رهگذر اندیشه و اندیشه ورزی امکان پذیر است. پژوهش دقیق وعمیق از پرسش وسوال جدی وبنیادی نشأت می گیرد، پرسشی که، معطوف به شناخت و دریافت حقیقت باشد، پرسش با روح وجان است وتحقیق درخصوص چنین پرسشی تحقیق واقعی است. بنابراین، گوهرود رونمایه اصلی پژوهش، پرسش از روی خردمندی و تفکر است. فلذا، برای هرپژوهشی ابتدا باید مسئله وپرسش موردتحقیق به دقت ودرایت مورد وارسی وبررسی قرارگیرد. از زوایای گوناگون سنجش گری و ارزیابی شود و باز شکافته آید. تمام حوادث،پدیده ها، پدیدارها، و مسائل و مشکلات چنین ویژگی دارند که باپرسش و شناختن مسئله آغازمی شوند. واین بازجستن وجست وجوگری علمی است. پس، پرسش و پژوهش قرین و همزادند.

 3- پژوهش و پسندیده گی

پژوهش باپسندیده گی ودل پسندی چه نسبتی دارد؟ آیا تحقیق با دلبستگی به دانش رابطه وثیق دارد یا نسبت آنها نسبت ,عاریتی و موقتی است؟

پژوهش " حب البحث" و" پرمهری" و" عشق پژوهندگی" می طلبد. یعنی، جانمایه پژوهش و تحقیق،محبت و عشق و دوستداری دانش و معرفت است و دلبستگی شرط جست و جو گری است، دلبسته به دانش و دانائی.پژوهش ماندگار واثربخش همانا ازسرعلاقه وعشق و پیوندقلبی پژوهنده و محقق حاصل آمدنی و محقق شدنی است، نه از سرسوداگرانه، سودطلبانه و تجارت منشانه.

پژوهش باپسندیده گی نسبت عمیق دارد. پژوهشی که بامحبت وعشق همراه نباشد پژوهش بی روح وجان است. ودرواقع تحقیق نیست بلکه تقلید است. نسخه برداری از دیگران است وکپی کاری از گذشتگان. حب بحث وتحقیق رشته پیوند حقیقی و واقعی بین مسئله مورد پژوهش و پژوهنده ایجاد می کند و فرایند تحقیق راجان می بخشد و از تقلید و تنگ نظری و تاریک بینی برحذر می دارد و نوآوری وکشف به ارمغان می اورد.

پژوهش بدون عشق دانایی، پژوهش بی ثمر و بی اثراست، چنین پژوهشی عاریتی و تقلید ناآگاهانه است. وهرگز به صلاح وسامان زندگی و اصلاح و جامعه و توسعه کشور به کار نیاید،چراکه درظاهر و پوسته و پوشش ظاهری می ماند وازدرک حقیقت و باطن و روح علم بهره ای نمی برد،

خلاصه، اگرپژوهنده دل ندهد هرگز علم واقعی نمی دهند.

 4– پژوهش و روش

ازمبانی پژوهش داشتن روش و شیوه علمی است. دو پرسش بنیادی درخصوص پژوهش همواره مطمح نظر است، اول، چرا پژوهش انجام می شود؟، دلیل اقدام به پژوهش چیست، یعنی چیستی پژوهش؟ دوم، چگونه پژوهش صورت می گیرد یعنی چگونگی پژوهش؟ روش ازچگونگی انجام دادن ونحوه عمل سخن می گوید.

پژوهش بامنطق علمی و روش بررسی علمی منظم مرتبط است، بنابراین هرکاوش وبررسی کردن راپژوهش وتحقیق علمی نمی گویند، منطق علمی ابزار درست راه بردن تحقیق علمی است. روش علمی به مجموعه روش های فکری وتجربی اطلاق می شود که موجب دستیابی به موضوع و حقیقت مسئله پژوهش می گردد. روش علمی و پژوهشی نسبت به موضوع پژوهش دارای اقسام گوناگون است. اگر موضوع یک امرمجرد وعقلی و ذهنی باشد مثل علوم ریاضی، روش استنتاجی و عقلی است، و اگرموضوع یک امرتجربی یا اجتماعی باشد، مثل علوم طبیعی – اجتماعی روش استقرائی وتجربی است، لیکن روش ومنطق پژوهش نسبت به دوره ها و اعصار و نسبت به موضوعات متفاوت است.

به عنوان مثال، درقرون وسطی روش پژوهش غالبا تبیین باتوسل به غایت و علل غایی بود.در دوران رنسانس، ریاضیات و مشاهده رواج و رونق گرفت و دردوران انقلاب علمی ونیوتن، آزمایش ونظریه بیش از سایر روش ها مطرح گردید.

غرض این است که،در پژوهش روش و روش شناسی (متدولوژی) (methodology) امری بسیار مهم وحائز اهمیت است،و درک و فهم روش شناسی که یکی از شعبه های منطق است نیازمند تبحر در کم و کیف پژوهش و چگونگی آن است، روش های تحقیق و پژوهش از قبیل (تحلیل ،ترکیب ،استقراء ، استنتاج ،شهود،استدلال، ....) ونیز نحوه تعامل و همیاری متدها،از موارد اصلی التفات و توجه در نسبت پژوهش و روش است.

 5 – پژوهش و پیشرفت

در این مجال و مقال کوتاه به بحث اساسی و بس مهم نسبت پژوهش وتوسعه و پیشرفت وارد نخواهیم شدکه خود فرصت موسع و بحث و بررسی پردامنه نیاز دارد. اساساً تحقیق در خصوص بنیادهای توسعه و نسببت ان با اندیشه و پژوهش یکی از اهم واوجب کارهای اندیشگاه می تواند باشد، وان شاء الله سلسله مقالات بنیادی در خصوص " **مبانی توسعه از** **منظرو دیدگاه اندیشگاه**" به تقریر وتحریر در خواهد آمد و از دانش و تجربه اندیشمندان وخرد جمعی صاحب نظران بهره گیری خواهد شد.

لیکن در اینجا فقط به طرح چندپرسش وسوال بنیادی در رابطه با توسعه و پیشرفت و نسبت آن با پژوهش بسنده می کنیم.

1.چه تعریفی(استدلالی ، منطقی ، علمی)ازتوسعه از دیدگاه اندیشگاه می توان ارائه کرد؟

2.مبانی هستی شناسی توسعه ازمنظراندیشگاه چیست؟

3.بنیادهای معرفت شناسی وروش شناسی توسعه و پیشرفت چه می باشد؟

4.ارزش های اساسی توسعه کدامند؟

5.مباحث توسعه وپیشرفت برچه مبنائی طرح می گردد؟

6.موضوع ومتعلق توسعه در ایران چگونه قابل تبیین وتعیین است؟

7.غایت توسعه و پیشرفت چیست؟

8.آیاتوسعه تولید محور و بومی ساز است یا توسعه تقلیدی نیز توسعه و پیشرفت است؟

9.ایا توسعه وپیشرفت روند طولی دارند یا عرضی یا هردو؟

10.آیا جغرافیا و مکان در توسعه و پیشرفت نقش دارد؟

11.جایگاه تفکردر توسعه کجاست؟

12.پژوهش وتوسعه چه نسبت ذاتی دارند؟

13.جایگاه دین در توسعه چگونه مشخص می شود؟

14.آیا توسعه اقسام گونه گون دارد؟

15.اولویت بندی در توسعه چه میزان و ملاک می خواهد؟

16. بایستگی های توسعه وپیشرفت در ایران چیستند؟

17.نقش اندیشمندان در پروسه توسعه وپیشرفت چگونه تبیین می شود؟

18.توسعه و پیشرفت چه نسبتی با زمان دارد؟

19.هویت ایرانی – اسلامی وتوسعه وارداتی و تقلیدی چگونه قابل جمع است؟

20.آینده چه نسبتی با توسعه وپیشرفت دارد؟

21.مقصدتوسعه کجاست؟مبداء آن چه می باشد؟

22.فرهنگ و توسعه چه تعاملی باهم دارند؟

23.آیا اندازه گیری توسعه امکان پذیر است؟

24.آیا سرمایه اجتماعی و توسعه و پیشرفت کشورهم جهت هستند؟

25. جهانی شدن وتوسعه درایران چگونه قابل تبیین است؟

26.توسعه و سعادتمندی فرد،جامعه وکشور چه رابطه ای دارند؟

27.آثار منفی توسعه چه می تواند باشد؟

....................

این ها وصدهاسوال و پرسش درباره نسبت پژوهش وتوسعه و پیشرفت مطرح هستند یامی تواند مطرح باشد،که قطعا برخی ازاین سوالات، سوالات بنیادی وموضوعات اساسی هستند. تحقیق و پژوهش درخصوص" **موضوعات ومسائل بنیادی توسعه** " اولویت اول اندیشگاه می تواند باشد. بحث از مسائل بنیادی توسعه،بحث از ریشه هاست و تا ریشه ها شناخته نشود و ریشه شناسی صورت نگیرد، مسائل وموضوعات فرعی وجانبی چندان ره گشا نخواهد شد.

موضوعات ومباحث ومسائل " بنیادی" ریشه درخت توسعه وپیشرفت کشورمی باشند و آثار ونتایج،ثمره ومیوه این درخت. هرگاه بنیادها و ریشه ها بدرستی و دقت شناخته شوند، نتایج به سهولت شناخته می شوند.پرسش از ریشه هاست وپرسش از ریشه ها درشان ومنزلت اندیشگاه است، اگرچه این پرسش ها خطر کردن است.

 6- تمثیل "بال و پرو پژوهش "

اگراندیشگاه را به یک پرنده مثل شاهین، تشبیه وتمثیل کنیم، حیات پرنده به پرواز واوج گیری در آسمان بستگی دارد. شاهین برای پرواز نیاز به بال و پر دارد و با دو بال و پر پرواز می کند،هریک از بال ها در پرواز وحیات، بقا واستمرار وجودی این پرنده نقش اساسی و بی نظیر دارند. اندیشگاه دارای دو بال اساسی و اصلی است، یکی اندیشه و تفکر ودیگری پژوهش. این دو بال مکمل هم و همیار و هم کنش همند.

پژوهش مثل یکی از بال های پرنده است، پرنده با یک بال هرگز پرواز نمی کند و نمی تواند بکند، اندیشه و اندیشه ورزی تفکر و تعقل یک رکن و بال این پرنده است و بال دیگر تحقیق در موضوعات بنیادی و راهبردی است. اندیشگاه می تواند با تقویت بال های خود در آسمان تفکر وتحقیق به پرواز در آید وبه غایت و مقصد متعالی خود نایل شود، راستی پرنده بی بال و پر، اصلا پرنده نیست، چرا که حیات پرنده در پرواز است.

حاصل سخن

" باغ اندیشه " با " بال و پر پژوهش" تکمیل می شود. کمال اندیشگاه با ورود به ساحت تفکر و عرصه پژوهش اوج می گیرد و آنگاه در همه ساحات و عرصه ها از جمله توسعه کشور نقش آفرینی می کند.

 ان شاء الله